

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

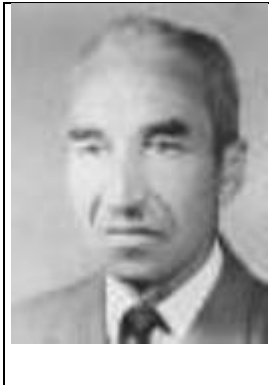
www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني: آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



شاد روان استاد علي اصغر « پشپير هروي »

تاريخ نشر: 23 فبروري 2021



حكايت ۲۹۸

تا توانی زندگانی آنچنان با همه
بشنو از من، این نصیحت یاد بادا از منت
کاستین ها در غم تو تر کنند از آب گرم
گر نشیند خاک نرمی ناگهان بر دامن

« شرف الدین حسام نسفی »

پاس خاطر رعیت

بعد از گرفتاری عمر ولیث صفاری بدست امیر اسمعیل سامانی در سال (۲۸۷ هجری) و استیلای سامانیان بر بلخ و هرات، امیر سامانی از عمر ولیث محل خزائن او را جویا شد، عمرو گفت:

یکی از خویشاوندان من که سام نام دارد، وظیفهء محافظت خزائن را بعهده داشت و شاید که آنها را بطرف هرات برده باشد!

چند روز بعد امیر به هرات آمد و گروهی از اعیان هرات را خواست و از ایشان در باره گنجینه های عمر ولایت و سام نامی که اموال عمرو باو سپرده شده بود پرسش کرد. آنان اظهار بی خبری کردند و چون لشکریان امیر در جنگها غنیمت قابل ملاحظه ای بدست نیاورده بودند و خزانهء امیر نیز از مال تهی بود و می بایست معاش و ماهوارهء لشکریان را تدارک نماید . جمعی از سرداران سپاه گفتند:

در شهر هرات دست کم یکصد هزار نفر زندگی میکنند ، اگر هر کدام ایشان دو مثقال طلا بخزانه تحویل کنند دوصد هزار مثقال می شود و اگر یک مثقال بپردازند صد هزار مثقال طلا می شود. این مبلغ تا مدتی برای پرداخت ماهانهء سپاهیان کفایت میکند ، بهتر است که امیر امر بفرماید تا این پول حواله شود!

امیر اسمعیل گفت: من مردم این شهر را امان داده ام اکنون بر خلاف عهد و پیمان خود نمیتوانم رفتار کنم.

آنگاه برای اینکه سرداران لشکر این بحث را تجدید نکنند و او را بگرفتن چنین مالی از مردم هرات تحریک ننمایند بسرعت از شهر هرات خارج شد و سپاهیان را نیز امر کرد تا همراه با وی حرکت کنند. وقتی که بیک منزلی شهر رسیدند و توقف نمودند همان اشخاص بار دیگری نزد وی آمده گفتند: بیرون آمدن از شهری که هنوز چنانکه باید و شاید بران تسلط نیافته ایم خلاف حزم و احتیاط است!

امیر اسمعیل گفت: همان خدائی که اسپ عمر و لیث را بدون اینکه زد و خوردی در میان دولشکر واقع شود پیش من دوانید و عمر و لیث را بدست من گرفتار ساخت قادر است که احتیاجات لشکر مرا بدون اینکه باعث پریشانی مردم بیگناه و سبب آزرده گی بینوایان شوم بر آورد و مرا از ستم دربارہ زیر دستان نگاه دارد!

اشخاص مذکور از نزد او بیرون رفتند اتفاق در همان وقت از درون حرمسرا خبر آوردند که یکی از زنان حرم گردن بندی را که مرصع به قطعه های لعل و یاقوت بوده از گردن بیرون آورده و در جانی نهاده بوده پرنده ای بتصور آنکه گوشت است از هوا فرود آمده و آنرا برداشته است! نزدیکیان امر بر اسپان سوار شده در تعقیب آن پرنده روان شدند و پرندهء مذکور گردن بند را از منقار افگند و گردن بند در چاهی که در آن حدود بود افتاد . ریسمان حاضر کردند و بر کمر کسی بسته او را بچاه فرستادند که گردن بند را پیدا کند.

هنگامیکه جوینده گردن بند در جستجوی آن بود متوجه شد که در داخل چاه نقبی است که بجائی می رود وارد نقب شد و چند صندوق در آنجا یافت ، آنها را بیرون فرستاد و نزد امیر بردند معلوم شد که خزانهء عمر ولایت بوده که سام آنها را از بلخ به هرات آورده و در آن موضع که دور از محل رفت و آمد مردم بوده مخفی کرده بوده و ارزش آنها چندین برابر مالی بود که بامیر پیشنهاد کرده بودند تا از مردم هرات بستاند و او این پیشنهاد را رد کرده بود.

سلسله این حکایات آموزنده ادامه داد...

ناشر :

سایت وزین 24 ساعت

موسس و مسوول :

محمد مهدی « بشیر »

www.24sahat.com

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی